

گزارش «وقایع اسرائیلیه» از دنیای همجنس گرایی در اسرائیل و سازوکارهای پنهان پشت پرده آن

پینک واشینگ لبخند دروغین تل آویو به آزادی

مذهبی به وضوح قابل مشاهده بود. ازدواج همجنس گرایی در این رژیم همچنان غیرقانونی بود و خاخام های ارتدکس از «گناه» سخن می گفتند، در حالی که دولت با قانون و تبلیغ، چهره ای مدرن و مداراگر از خود می سازد. در نهایت، پدیده موسوم به پینک واشینگ چهره واقعی این سیاست را بر ملا کرد: استفاده از رنگین کمان برای پوشاندن رنگ خون اسرائیل در نگاه رسانه های غربی شاید «بهشت دگرپاشان» باشد؛ اما برای بسیاری، همان بهشت، یادآور حقیقتی تلخ است. رژیمی که آزادی را به ابزار تبلیغات بدل کرده و با فریب فرهنگی، چهره اشغالگر خود را تظہیر می کند. منتقدان داخلی می گویند دولت میلیاردها شکل برای تبلیغ جشن ها هزینه می کند؛ اما از بهبود واقعی وضعیت اجتماعی و روانی اقلیت ها خبری نیست. فعالان خارجی نیز هشدار می دهند که این نمایش ابزاری است برای منحرف کردن نگاه جهانی از اشغال و تبعیض علیه فلسطینیان. در همین رژیم، شش نماینده آشکارا همجنس گرادر پارلمان حضور دارند، در حالی که خاخام های ارشد در خطبه های شان از «شهوت افسارگسیخته» و «گناه» می گویند. این تضاد میان نهاد دینی و سیاسی، تصویری واقعی تر از جامعه ای است که میان مدرنیته اجباری و سنت های سخت گیر در نوسان است.

سیاست دوگانه نتانیاهو

بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل شخصیتی دارد که همواره میان دو قطب در نوسان است: مدرنیت در برابر بنیادگرایی. او هیچ گاه آشکارا مخالف جامعه LGBTQ نبوده و در ظاهر، خود را مدافع قانون مداری نشان می دهد. او همچنین در نخستین ماه های دولتش، بارها از اظهارات تند متحدان مذهبی خود انتقاد کرد و حتی ایده خودداری پزشکان از درمان بیماران دگرپاش را «غیرقابل قبول» خواند. او برای نمایش این چهره مدرن، «ایمر او هانا، نخستین رئیس آشکارا همجنس گرای کنست را منصوب کرد؛ اما نمایندگان مذهبی حاضر در کنست حتی حاضر نشدند به او هانا نگاه کنند. یکی از خاخام های حزب شاس هم او را «بیمار» خواند. در همین حال، نتانیاهو با درخواست آوی معوز برای لغو رژه افتخار اورشلیم مخالفت کرد و گفت: «اسرائیل بر اساس قوانین تلمودی اداره نخواهد شد. ما کشوری قانون مدار باقی می مانیم و انجمن های LGBTQ را ممنوع نمی کنیم.» این سخنران، در ظاهر نشانه تساهل است؛ اما منتقدان می گویند نتانیاهو برای حفظ قدرت، امتیازهای کلاسیک به احزاب مذهبی افراطی داده است، امتیازهایی که به آن ها اجازه می دهد ساختار اجتماعی و فرهنگی اسرائیل را محدودتر کنند. در واقع، او همان قدر که در برابر غرب مدافع آزادی به نظر می رسد، در داخل شریک خاموش بنیادگرایی است. اسرائیل نتانیاهو دقیقاً بر همین دوگانگی بنا شده است: نظامی که با چهره ای لیبرال به جهان لبخند می زند؛ اما پشت آن، سیاست را با ایدئولوژی و قدرت می آمیزد و از آن به نفع منافع خود استفاده می کند. در نهایت، پروژه «پینک واشینگ» را می توان بخشی از راهبرد قدرت نرم اسرائیل برای بازسازی و بهبود وجهه بین المللی خود دانست. تلاشی که با برجسته سازی آزادی های جنسی و جنسیتی، می کوشد تل آویو را نماد دموکراسی و مدرنیته جلوه دهد. اما در عرصه داخلی، ساختار قدرت همچنان در سیطره جریان های راست گرو محافظه کار باقی مانده است. از این رو، پینک واشینگ نه نشانه ای از پیشرفت اجتماعی، بلکه بازتاب تناقض میان تصویر بیرونی و واقعیت درونی قدرت در اسرائیل است.

۱۹۹۸: دانا اینترنشنال، ترنس ستاره اسرائیلی در مسابقه یوروویژن برنده می شود
۲۰۰۰: دادگاه عالی زوج های همجنس گرا را به عنوان والدین قانونی به رسمیت می شناسد
۲۰۰۲: انتخاب اولین عضو آشکارا همجنس گرای کنست
۲۰۰۲: برگزاری اولین رژه افتخار و تحمل در اورشلیم
۲۰۰۴: دادگاه تل آویو حکم می دهد دولت نمی تواند شریک همجنس گرای خارجی یک شهروند اسرائیلی را اخراج کند
۲۰۰۶: ازدواج های همجنس گرا انجام شده در خارج از کشور به رسمیت شناخته می شوند
۲۰۰۸: حقوق کامل فرزند خواندگی به زوج های همجنس گرا داده می شود
۲۰۱۰: مجله Out تل آویو را به عنوان دوستدارترین شهر برای همجنس گرایی در خاورمیانه معرفی می کند
۲۰۱۱: برگزاری بزرگ ترین رژه Pride در قاره آسیا با بیش از ۱۰۰،۰۰۰ شرکت کننده
۲۰۱۱: اولین قاضی آشکارا همجنس گرا منصوب می شود
۲۰۱۶: کنست اولین روز رسمی اختصاص یافته به حقوق LGBTQ را برگزار می کند
۲۰۱۸: ۲۵۰،۰۰۰ نفر در بیستمین رژه سالانه تل آویو شرکت می کنند

غرور جهانی

تابستان ۲۰۰۶، اورشلیم صحنه رویدادی شد که از نگاه بسیاری، نقطه اوج جنبش دگرپاشان در اسرائیل بود؛ برگزاری جشن بین المللی «ورلد پراید». این مراسم نه فقط نمایش غرور جنسی، بلکه بیانیه ای سیاسی بود؛ تلاشی برای نشان دادن چهره ای آزاد، مدرن و جهان پسند از رژیمی که در واقع درگیر جنگ، اشغال و شکاف های مذهبی و قومی بود. برگزاری این رویداد در اورشلیم یا همان بیت المقدس که سه دین ابراهیمی آن را مقدس می دانستند، خود به تنهایی تصمیمی پرتش بود. از یک سو، نشانگر دستاوردهای جامعه ال جی بی تی اسرائیل بود؛ گسترش فعالیت ها فراتر از تل آویو، رشد سازمان های محلی، موفقیت های پی در پی در دادگاه ها و نفوذ فرهنگی در رسانه ها؛ اما از سوی دیگر، یادآور شکاف هایی بود که هنوز التیام نیافته بودند. درگیری های منطقه ای، سایه ای سنگین بر این جشن انداخت. رژه برنامه ریزی شده دو بار به تعویق افتاد. نخست به دلیل خروج اسرائیل از غزه و بار دیگر هنگام جنگ با حزب الله در تابستان همان سال. افزون بر آن، ائتلافی کم سابقه از رهبران یهودی، مسیحی و مسلمان دست به دست هم دادند تا مانع از برگزاری مراسم شوند. آنان هشدار دادند نمایش آشکار جنسی در شهری با چنین جایگاه معنوی، توهین به حرمت اورشلیم است. حتی شماری از سکولارهای اسرائیلی نیز در این باره هم نظر بودند و رژه را اقدامی تحریک آمیز می دانستند. بالین حال در دهم نوامبر ۲۰۰۶، ورلد پراید برگزار شد. برخلاف پیش بینی ها، خشونت رخ نداد و پلیس حضور خود را به حداقل رساند. رسانه های غربی این آرایش را نشانه ای از «بلوغ دموکراسی اسرائیلی» دانستند؛ اما منتقدان در جهان عرب و حتی در میان گروه های یهودی ضد صهیونیست هشدار دادند که این مراسم بیش از آنکه جشن آزادی باشد، بخشی از سیاست «تظہیر چهره» اسرائیل در عرصه بین المللی است. تل آویو نیز به مرور به نماد این دوگانگی تبدیل شد. شهری که در تبلیغات جهانی، «بهشت دگرپاشان» معرفی می شود؛ اما در واقع، میان دیوارهایش هنوز زدا اعتقادات

در اسرائیل، پیدایش جامعه ال جی بی تی نه نشانه تحول اجتماعی که برآمده از خلأ هویت و فروپاشی درونی است. جامعه ای که بر خاک اشغال و بحران اخلاقی بنا شده است، حالا به تدریج معنا و انسجام خود را از دست می دهد و در جست وجوی چهره ای تازه، به تقلید از فرهنگ غربی پناه می برد.



یوذا سلانی زاده

کمی تاریخچه

در میانه دهه ۱۹۷۰، نخستین نهاد همجنس گرایی در اسرائیل نه از دل جامعه، بلکه با حمایت مهاجران غربی شکل گرفت؛ گروهی که ارزش های شان را از دل خیابان های آمریکا به سرزمینی آوردند که هنوز درگیر بحران هویت و جنگ بود و حالا جامعه ای که روزگاری خود را «ملت برگزیده» می دانست، به پناهگاه افرادی تبدیل شده بود که تمام شئون اخلاقی و دینی را کنار گذاشته و در پی آزادی ها و تمایلات فردی افسارگسیخته خود بود. در این فضای متزلزل بود که رژیمی که روزگاری از «یهودی نوین» سخن می گفت، به الگویی از فروپاشی جمع گرایی و جایگزینی ارزش های غربی بدل شد. خانواده و ایمان کنار رفتند و مفاهیم تازه ای از آزادی جنسی جای آن را گرفتند. در پایان دهه ۱۹۸۰، وقتی قانون منع لواط، بی سروصدالغو شد، این دگرگونی چهره ای رسمی یافت. به ظاهر اسرائیل گامی به سوی «برابری جنسیتی» برداشته بود؛ اما واقعیت چیز دیگری بود. حالا زمان آن رسیده بود که نقاب ها عوض شود و چهره جدید از اسرائیل به نمایش درآید. چهره ای مدرن و فریبنده که قرار بود در دهه ۱۹۹۰، با شعار آزادی و مدنیت، لکه های تبعیض و اشغال را بپوشاند. در دهه نود، رسانه ها و سیاستمداران سکولار از «آزادی جنسی» به عنوان نماد تمدن یاد کردند، حال آنکه در پس این شعارها، همان ساختار تبعیض گرو امنیت محور پابرجا بود. اسرائیل یاد گرفته بود چگونه از «آزادی» برای تظہیر قدرت استفاده کند؛ از هویت برای سیاست و از رنگین کمان برای پنهان کردن سیاهی های واقعیت. در اواخر دهه ۱۹۸۰، اسرائیل در حالی به «پیشرفت حقوقی» همجنس گرایی می بالید که ساختار سیاسی و اجتماعی اش همچنان بر تبعیض و اشغال استوار بود. سیاستمداران لیبرال با ظاهری میانه رو، دگرپاشان را به عنوان شهروندانی قانون مدار و وطن دوست معرفی کردند؛ ابزاری برای نمایش چهره ای مدرن و اروپایی از جامعه ای که هنوز از بحران های قومی و مذهبی به شدت رنج می برد. این «تظاهر به مدارا» در واقع سپری بود برای پوشاندن شکاف های عمیق تر جامعه ای چند پاره که در پی جلب اعتماد بین المللی با ابزار آزادی بود. در دهه ۱۹۹۰، این نمایش جهانی تر شد. از لغو قوانین به ظاهر تبعیض آمیز گرفته تا پیروزی «دانا اینترنشنال» خواننده تراجنسیتی اسرائیلی در یوروویژن، هر گام فرهنگی و سیاسی به ابزاری تبلیغاتی تبدیل شد تا اسرائیل چهره ای پیشرو از خود ارائه دهد. حالا روند تغییرات به نفع همجنس بازان سرعت گرفته بود. در ادامه به صورت تیتروار برخی از این مهم ترین رویدادها را مرور می کنیم.

۱۹۹۲: ممنوعیت تبعیض بر اساس گرایش جنسی در محیط کار توسط کنست
۱۹۹۳: ارتش اسرائیل سیاست ضد تبعیض را اجرائی می کند
۱۹۹۴: دادگاه عالی مزایای همسران را برای زوج های همجنس گرا تصویب می کند